نگاه

اتحاد استراتژیک باکو و آمریکا علیه همسایگان

احمد هاشمی

در راستای اتخاذ سیاست محاصره ایران توسط آمریکا اهمیت استراتژیک جمهوری آذربایجان در حال افزایش است و این امر، علاوه بر برانگیختن ناراحتی کشورهای همسایه جمهوری آذربایجان موجبات خشم و ناراحتی ایروان و لابی ارمنی را هم فراهم کرده است. پس از خودداری از تصویب لایحه گشوده شدن جبهه دومی از شمال عراق با استفاده از خاک ترکیه توسط مجلس اسلام گرای این کشور و اظهارات ضداسرائیلی مقامات حزب عدالت و توسعه به ویژه عبدالله گل و رجب اردوغان روابط دو کشور رو به وخامت گذاشته است و به دلایلی از قبیل دیدار مقامات حماس از ترکیه و پخش فیلم شدیداً ضدآمریکایی «عراق، وادی گرگ ها» در این کشور، مخالفت ها با ترکیه در کنگره آمریکا رو به فزونی است. با وجود مقاومت دولت بوش، کنگره همچنان خواهان به رسمیت شناخته شدن موضوع جنجال برانگیز قتل عام ارامنه توسط ترک هاست. البته آذری ها حداقل به همان اندازه ترک ها موضوع قتل عام ارامنه را منکر بوده و عکس این موضوع را ادعا می کنند.

بنابراین دولت بوش به خوبی می داند که تصویب «قانون شناسایی قتل عام ارامنه» آذری ها را نیز خواهد رنجاند. به همین سبب، احتمال اعلام روز ۲۴ آوریل به عنوان «روز یادبود قتل عام ارامنه» توسط آمریکایی ها بسیار ضعیف به نظر می رسد. این بار شرایط به خاطر مسئله ایران علیه ارامنه ورق خورده است. دولت آمریکا هم این وضعیت را تقویت کرده و به بهای ناخرسندی ارامنه هم که شده در راستای خشنودی آذری ها و در واقع آنکارا گام برمی دارد. هرچند که ترکیه در این بین احساس دوگانه ای را تجربه می کند زیرا از یک سو از پررنگ شدن نقش کشور متحد و هم زبان خود در منطقه خوشحال بوده و از سوی دیگر از اینکه اهمیت فزاینده آذربایجان احتمالاً اتحاد استراتژیک پیشین آنکارا – واشینگتن را تضعیف می کند نگران است.

در زمینه این تحولات جدید در راستای تقویت مناسبات باکو – واشینگتن می توان به دو مورد اشاره کرد:

۱– واشینگتن از سفیر خود در ایروان جان مارشال اوانس خواسته است تا پیش از پایان دوره ماموریتش از کار دست بکشد. علت آن هم سخنرانی اوانس در جمع آمریکائیان ارمنی تبار کالیفرنیاست که طی آن گفته بود: «فارغ از اینکه دیگران چه بگویند من حوادث ۱۹۱۵ را یک قتل عام خواهم نامید.»

این سخنان که در بین ترک ها انعکاس چندانی نداشت آذری ها را به شدت خشمگین کرد و به علت مغایرت با سیاست های کنونی آمریکا در بین دولتمردان این کشور هم واکنش های شدیدی را برانگیخت. ابتدائاً اوانس را مجبور کردند اعتراف کند که این سخنان «نظرات شخصی» وی بوده است و سپس از ارائه نشان لیاقت به وی توسط آژانس خدمات خارجی آمریکا (AFSA) ممانعت به عمل آمد. اکنون هم ریچارد هوگلاند سفیر این کشور در تاجیکستان خود را آماده می کند تا جای اوانس را بگیرد.

۲– دولت آمریکا اقدام به از بین بردن قانون ۹۰۷ صفحه ای کرده است که تحت فشار لابی ارمنی در کنگره به تایید رسیده بود. این قانون کمک های نظامی اختصاص یافته به آذربایجان و ارمنستان را به شکلی متعادل و مساوی پیش بینی می کند. اهمیت استراتژیک فزاینده آذربایجان پس از حملات ۱۱ سپتامبر باعث از بین رفتن این تعادل به نفع آذربایجان شده است.

■ تنگ تر کردن حلقه محاصره ایران

دولت آمریکا برای کمک نظامی بیشتر به آذربایجان نسبت به ارمنستان نیاز به تایید کنگره دارد. به علاوه واشینگتن برای حل مناقشه قره باغ تلاش های خود را فزونی بخشیده است. چندی پیش «مت بریزا» معاون وزارت امور خارجه آمریکا به منطقه فرستاده شد و به دنبال او «دانیل فرید» معاون دیگر وزارت خارجه هم به منطقه قفقاز سفر می کند. این قبیل حرکت ها، همچون ایران، تردید ارامنه را که هرگونه تقویت روابط باکو – واشینگتن را با دیده تردید نگریسته و علیه منافع خود قلمداد می کند، تشدید می کند.

از دیگرسو، اسکات ریتر آمریکایی از بازرسان سابق تسلیحاتی سازمان ملل در مقاله ای که برای Aljazeera.net نوشت که از دیدگاه دولتمردان کاخ سفید جمهوری آذربایجان به خاطر مسئله ایران دارای اهمیت استراتژیک است. از نظر ریتر واشینگتن آذربایجان را برای عملیات نظامی احتمالی علیه تهران آماده می کند و با این اقدام درصدد حمایت از آذری های دارای اکثریت در شمال غربی ایران هم است.

می توان در مورد تردیدآمیز بودن سخنان ریتر به بحث پرداخت ولی در ارتباط با عراق پیش بینی ها و سخنان او تا حدود زیادی تحقق پیدا کرد. آنچه که مسلم است میزان درستی سخنان او را در حال حاضر نمی توان مشخص کرد ولی بسیار واضح و مبرهن است که روابط نظامی آمریکا با آذربایجان به سرعت در حال گسترش است. این امر نیز به نوبه خود ضمن فراهم آوردن زمینه های نگرانی دولت های منطقه صرفاً برای ترکیه که دوره روابط سرد و بعضاً تنش آلودی را با واشینگتن سپری می کند به عنوان یک عامل تقویت موضع آنکارا در مقابل لابی ارمنی آمریکا است.

▲ عمر بنگو

▲ بیلیز کمپائوره

▲ ادریس دبی

▲ اوبیانگ

▲ موگابه

▲ چارلز تیلور

غارتگران آفریقا

کلکسیون آدمخوارها

داگلاس فرح*
ترجمه: علی عبدالمحمدی

در آفریقای زیر صحرا، حاکمان مستبد غارتگر با دست های آلوده به خون از قدیم الایام یا در حالی که بر مسند حکومت تکیه زده اند می میرند یا در کمال آسایش و برخورداری از رفاه مادی کامل در تبعید بازنشسته می شوند. آنها معمولاً دم به تله نمی دهند و خود را در شرایط سخت بازداشت برای پاسخگویی به اتهاماتی از قبیل ارتکاب جنایت های متعدد علیه بشریت و متعاقباً تشکیل دادگاه نمی بینند. در این بین شاید «چارلز تیلور» رئیس جمهور پیشین لیبریا که ماه گذشته در مرز نیجریه و کامرون دستگیر شد یک استثنا باشد.

همان قدر که دستگیری «تیلور» شیرین است – او متهم است که با خوراندن دارو به کودکان از آنها به عنوان پیاده نظام و سیاهی لشگر در جبهه های جنگ استفاده می کرد، اندام مخالفان خود را می برید و در کاربرد سیستماتیک تجاوز به زنان شهره عام و خاص بود – اشاره به وجود تراژدی های متعدد حاکمیتی در قاره آفریقا همچنان آزاردهنده است. شاید «تیلور» را بتوان پایان یافته قلمداد کرد، اما «چارلز تیلور» های بسیار بیشتری هنوز خاطره او را تداعی می کنند. واقعیت آن است که بسیاری از رهبران آفریقایی صراحتاً با محاکمه «تیلور» مخالفت کرده اند؛ علت این مخالفت را نیز باید در این نکته ظریف و اساسی جست که هنوز بخش های بسیار وسیعی از آفریقا تحت سیطره حکمرانانی است که به طرز دیوانه واری خود را «بزرگ» می پندارند. تا وقتی که این حکمرانان به این نتیجه قطعی نرسند که باید در برابر اقدامات ویرانگر خویش پاسخگو باشند حتی با دستگیری «تیلور» نیز چیز زیادی عوض نخواهد شد. برخی از بدترین آنها عبارتند از «تئودورو ابیانگ نگوئما» حاکم گینه استوایی که کشورش را از سال ۱۹۷۹ چپاول کرده است، «عمر بنگو» که از زمان «لیندون جانسون» رئیس جمهور اسبق آمریکا بر گابن حکم می راند، «رابرت موگابه» دیکتاتور مجنون الحال زیمبابوه و «ادریس دبی» حاکم مستبد چاد. اما وقتی دولت «بوش» از گسترش دموکراسی در سراسر جهان حرف می زند، این حاکمان مستبد و ستمکار که ظاهراً شهرت چندانی در بیرون مرزهای خود و (کلاً آفریقا) ندارند اما بعضاً حتی روی «صدام حسین» دیکتاتور پیشین عراق را در ارتکاب جنایت های مختلف سفید کرده اند مورد توبیخ و بازخواست قرار نمی گیرند. مثلاً همین چند روز پیش بود که «کاندولیزا رایس» وزیر امور خارجه آمریکا «ابیانگ» را یک «دوست خوب» خطاب کرد و با چهره ای کاملاً خندان برای گرفتن عکس در کنار او ظاهر شد. این همان «ابیانگ» ای است که وزارتخانه تحت زعامت خانم «رایس» تاکنون بارها رژیم او را به سبب درنده خویی بی حد و حصرش محکوم کرده است.

■ علت چیست

دلایل تاریخی متعددی برای توجیه رونق این شیوه غم انگیز رهبری وجود دارند. در زمره این دلایل می توان به میراث دوره استعمار و جنگ سرد اشاره کرد که ضروری می ساخت از هر کسی که دشمن دشمن تان قلمداد می شد حمایت کنید. در آفریقای زیر صحرا، این دیکتاتورها متحدان آمریکا در برابر رژیم های تحت الحمایه شوروی – و لیبی – بودند. اما اکنون بیش از ۵۰ سال از استقلال بیشتر این کشورها می گذرد و جنگ سرد نیز مدت ها است که پایان پذیرفته است. بنابراین، هیچ توجیهی برای تداوم دوستی با دیکتاتورهای آفریقایی باقی نمی ماند. اما امروزه با کمال تاسف شاهدیم که رژیم هایی از این دست به رغم تداوم قساوت های پیشین خود به دلایلی همچون بی تفاوتی جامعه بین المللی، کنترل بر منابع یا ترکیبی از این عوامل به حیات خویش ادامه می دهند. دستگیری «تیلور» و قرار تعیین شده برای محاکمه او نزد یک دادگاه ویژه که با حمایت سازمان ملل برای رسیدگی به مسائل سیرالئون تشکیل شده است نشان می دهد که اندکی توجه بین المللی و فشار پایدار می تواند به پایان یافتن دوره فرار حاکمان ستمکار از مکافات جنایت های خویش کمک کند. اما این فقط یک گام اولیه در پاسخگو ساختن آنهایی است که فقر و فلاکت را برای میلیون ها آفریقایی به ارمغان آورده اند. یکی از ثروتمندترین و سرکوبگرترین حاکمان آفریقای زیر صحرا «ابیانگ» است که از سال ۱۹۷۹ بر تنها کشور اسپانیایی زبان آفریقا حکم رانده است. در سال ۲۰۰۴، Riggs Bank مسئولیت جنایی خود را در رابطه با اخذ غیرقانونی درآمدهای غیرقانونی «ابیانگ» تحت عنوان سپرده های بانکی پذیرفت. در اواخر دهه ۱۹۹۰، طبق گزارشی که یک کمیته فرعی تحقیقات سنای آمریکا در سال ۲۰۰۴ منتشر ساخت، «ابیانگ» و دوستان صمیمی اش لااقل ۷۰۰ میلیون دلار در Riggs Bank داشتند. بدین ترتیب، گینه استوایی به عنوان بزرگترین سپرده گذار مستقل این بانک شناخته می شد. در همان زمان، ساکنان این کشور فقیر به لحاظ دسترسی به امکانات بهداشتی، آموزشی و همچنین امید به زندگی تقریباً در انتهای همه فهرست های منتشر شده در سطح بین المللی قرار داشتند.

■ قاتل بالفطره

«ابیانگ» با کشتن عموی خود «فرانسیسکو ماکیاس نگوئما» فرمانروای پیشین کشورش قدرت را به چنگ آورد. «ابیانگ» رئیس پلیس «ماکیاس» بود و زندان معروف Black Beach را اداره می کرد. در این زندان، طبق ادعای شاهدان، «ماکیاس» زندانیان را با کوبیدن سرهای شان به تیرهای بتونی اعدام می کرد. حالا «ابیانگ» حکومت پلیسی مخصوص خود را بر پا کرده است و چون به هیچکس حتی اعضای خانواده خود اعتماد ندارد از محافظان شخصی مراکشی برای حراست از جان خود استفاده می کند. او تا حدی به این دلیل زنده است که کشور کوچکش روزانه ۳۵۰ هزار بشکه نفت پمپاژ می کند و ذخایر ۱/۲ میلیارد بشکه ای دارد، ضمن اینکه ۱/۳ تریلیون فوت مکعب گاز طبیعی نیز دارد. در نتیجه، کمپانی های نفتی و دولت های نیازمند نفت به حمایت از رژیمی علاقه مندند که دیر زمانی است رسانه ها را از هرگونه اطلاع رسانی منصفانه یا طرح انتقادات بی پرده بازداشته، تقریباً یک سوم جمعیت ۵۴۰ هزار نفری کشورش را مجبور به ترک دیار خود کرده و هر بانگ مخالفی را به شدیدترین وجه ممکن پاسخ می دهد.

در ماه های اخیر، «ابیانگ» در قالب پیشنهاد معاملات نفتی تلاش کرده است تا حمایت بیشتری را از جانب یکی دیگر از مسببان اصلی ناکامی و فقر در آفریقا یعنی «رابرت موگابه» دیکتاتور فعلی زیمبابوه به خود اختصاص دهد. در سال های اخیر، «موگابه» که در ۱۹۸۰ به عنوان یک «قهرمان ملی» قدرت را در دست گرفت تدریجاً حیات سیاسی و اقتصاد کشورش را به تباهی کشانده است. قلمرو نفوذ او اکنون به تفرجگاه تروریست ها و گروه های جنایتکار فراملیتی که «تیلور» در لیبریا پایه گذاری کرده بود تبدیل شده است.

تحت حاکمیت استبدادی «موگابه»، زیمبابوه که دیر زمانی یک صادرکننده بزرگ مواد غذایی با اقتصادی آبرومند و تاسیسات کامل بهداشتی و آموزشی بود به لبه پرتگاه گرسنگی کشانده شده است. این کشور یکی از اسفناک ترین آمار آلودگی به ویروس بیماری ایدز را در جهان دارد. ضمناً، «موگابه» و محفل درونی اش میلیون ها دلار را که عمدتاً از طریق اجاره دادن نیروهای مسلح زیمبابوه برای جنگیدن در جمهوری دموکراتیک کنگو در همسایگی این کشور حاصل شده است به خارج انتقال داده اند.

■ پدربزرگ ترسو

«عمر بنگو» همسایه و دوست دیگر «ابیانگ» از ۱۹۶۷ که «لیندون جانسون» رئیس جمهور وقت آمریکا تلاش می کرد تصمیم درستی درباره چگونگی خروج از ویتنام بگیرد با مشت آهنین بر گابن حکومت کرده است. او پسرش را وزیر دفاع کابینه قرار داده است تا از وفاداری در نیروهای مسلح مطمئن شود و هر گونه مخالفت یا اقدام براندازانه احتمالی را در نطفه خفه کند. «بنگو» که شدیداً نگران وجهه بین المللی اش بود در سال ۲۰۰۳ با «جک آبراموف» دلال آمریکایی که اخیراً افشای معاملات پشت پرده او رسوایی به بار آورد تماس گرفت. طبق اسنادی که بعدها توسط کنگره منتشر شد، «آبراموف» ۹ میلیون دلار خواسته بود تا به «بنگو» برای نزدیکتر شدن به دولت «بوش» کمک کند. معلوم نیست که آیا آن معامله به اجرا درآمد، اما در ۲۶ مه ۲۰۰۴ «بنگو» با پرزیدنت «بوش» دیدار کرد. کمی دورتر در شمال، شریک بلندمدت «تیلور» در دامن زدن به جنگ های غرب آفریقا «بلیز کمپائوره» حاکم مستبد بورکینافاسو است. «کمپائوره» و «تیلور» سابقاً همکاری موفقیت آمیزی در هدایت یک کودتا که به خلع «توماس سانکارا» بهترین دوست قبلی «کمپائوره» از قدرت در سال ۱۹۸۷ و نهایتاً قتل او انجامید داشتند. وقتی «تیلور» انقلاب خود را در لیبریا آغاز کرد، «کمپائوره» نظامیان تحت امرش را به همراه برخی تجهیزات مورد نیاز در اختیار او گذاشت. طبق گزارش های سازمان ملل متحد و تحقیقات مراجع فعال حقوق بشری، در سراسر جنگ های غرب آفریقا «کمپائوره» آموزش های نظامی لازم و برخی تسهیلات حیاتی مورد نیاز برای خرید اسلحه و مهمات، و نیز تسهیلات بانکی و پناهگاه را در اختیار «جبهه متحد انقلابی» وابسته به «چارلز تیلور» قرار داد. در عوض، «کمپائوره» ضمن دریافت قطعات الماس از «تیلور» وعده گرفته بود که هیچ خللی در همکاری آنها به وجود نیاید.

در شرق، «ادریس دبی» است که از سال ۱۹۹۰ بر چاد حکومت کرده است. وقتی نفت کشف شد، «دبی» به یک سری شرایط سخت در رابطه با چگونگی صرف این ثروت خدادادی در مسائل بهداشتی و آموزشی تن داد تا در قبال آن بتواند موافقت بانک جهانی را برای تامین پول مورد نیاز احداث یک خط لوله از این کشور محاط در خشکی به خلیج گینه جلب کند. نخستین خرید او با پول نفت، سلاح هایی به ارزش ۴/۵ میلیون دلار برای دستگاه امنیتی اش بود.

«دبی» با سرنگون کردن دیکتاتور معروف دیگری به نام «حسین هابره» که گورهای دسته جمعی بر جای مانده از دوره حکمرانی او با گورهای دسته جمعی عراق و بوسنی قابل مقایسه است و سیستم های شکنجه او شامل قطع دست و پای مخالف زندانیان قدرت را به چنگ آورد. «هابره» که در جریان حاکمیت هشت ساله اش صدها میلیون دلار کمک نظامی از آمریکا دریافت کرد اکنون به حالت تبعید در رفاه کامل در سنگال به سر می برد و خیالش راحت است که همتایان سنگالی اش هرگز تسلیم فشارهای وارده برای تحویل او جهت محاکمه به اتهام ارتکاب جنایت های مختلف نخواهند شد.

■ اشتباه تیلور چه بود

«تیلور» در دامی افتاد که دیگران نیفتاده اند: او با جامعه بین المللی به جنگ برخاست و هنوز سال ها طول می کشد تا عدالت درباره او اجرا شود. «تیلور» از بی تفاوتی رهبران جهان که ذهن شان به تهدیدات دیگری مشغول است سود می برد.

تا پیش از سال ۲۰۰۰، «تیلور» با کمک کردن به هماهنگی یک فقره آدم ربایی که طی آن حدود ۵۰۰ صلحبان سازمان ملل متحد در سیرالئون در همسایگی لیبریا ربوده شدند نام خود را ورای مرزهای غربی آفریقا به گوش جهانیان رساند. او پیوندش را با القاعده نیز از طریق فروش الماس به عناصر آن شبکه تروریستی گسترش داد. معروفیت «تیلور» به قساوت و سنگدلی و پیوند با عناصر تروریسم جهانی باعث شد تا ایالات متحده آمریکا، بریتانیا و دیگران چاره ای جز منزوی کردن او نداشته باشند. سرانجام، دادگاه ویژه ای که با حمایت سازمان ملل متحد برای رسیدگی به مسائل سیرالئون تشکیل شده بود به نوعی شق القمر کرد و در ۳ مارس ۲۰۰۳ با تنظیم کیفرخواستی «تیلور» را به ۱۷ فقره جنایت علیه بشریت متهم کرد و عملاً او را به یک چهره منفور بین المللی تبدیل ساخت. حتی اقدامات این دادگاه نیز چندان مورد توجه کاخ سفید واقع نشد. با این حال، سرانجام «اد رویس» نماینده جمهوریخواه کالیفرنیا رهبری یک ائتلاف دو حزبی را در کنگره آمریکا بر عهده گرفت که تهدید به قطع کمک به کشورهایی کرد که برای تسلیم «تیلور» جهت محاکمه در دادگاه همکاری نکنند. یک گروه ویژه از مقامات در قوای مختلف حکومت آمریکا موفق شدند حمایت از برپایی جلسات محاکمه «تیلور» را در زمره الزامات سیاست کاخ سفید «بوش» بگنجانند. طیف وسیعی از سازمان های بشردوست نیز که بدون وقفه برای تحقق محاکمه «تیلور» تلاش می کردند به همتایان آمریکایی خود کمک می کردند.

■ سرزمین فراموش شده

چون سایر دیکتاتورها ندرتاً به مقابله آشکار با جامعه بین المللی برخاسته اند یا خود را لااقل در ظاهر حامی تروریست ها معرفی نکرده اند، هیچ اقدام قابل مقایسه ای برای اجرای عدالت در مورد آنها انجام نشده است. همچنین، سازمان های خبری از پوشش تحولات آفریقا سر باز می زنند – به عنوان مثال، هر دو روزنامه معروف آمریکایی واشینگتن پست و نیویورک تایمز دفاتر خود را در غرب آفریقا تعطیل کرده اند – که این به معنای پوشش بسیار ضعیف عملکرد این دیکتاتورها در رسانه ها است.

به رغم رنج و عذابی که حکمرانان مستبد آفریقایی به مردمان خویش تحمیل می کنند و روز به روز نیز آنها را بیشتر تهدید می کنند، هیچ تهدید استراتژیکی از جانب ایشان برای قدرت های بیرون آفریقا متصور نیست. به همین سبب نیز هست که دولت «بوش» با وجود همه تاکیدات اخلاقی خود بر لزوم استقرار دموکراسی در جهان گویا اصلاً توجهی به این منطقه ندارد. مورد «تیلور» نشان می دهد که فرض های رایج درباره اینکه چه چیزی یک تهدید واقعی را برای ایالات متحده آمریکا تشکیل می دهد غلط هستند. پناه دادن «تیلور» به عناصر تروریسم بین المللی نظیر القاعده و دست داشتن او در آشوب های متعدد منطقه ای که بارها سازمان های بشردوست را مجبور به مداخله کرده است نشان می دهند که این نوع رهبری تا چه اندازه خطرناک است. حال، پرسش این است که آیا جهان به حد کافی آماده است تا به محو همیشگی فقر، فلاکت و تیره روزی در آفریقا کمک کند.

***رئیس دفتر پیشین روزنامه آمریکایی واشینگتن پست در غرب آفریقا و نگارنده کتاب «خون از سنگ ها: شبکه مالی سری ترور»**

منبع: The Washington Post

کشورهای تحت حاکمیت یک دیکتاتور

■ گینه استوایی

از زمان استقلال گینه استوایی در سال ۱۹۶۸ از اسپانیا این کشور تنها تحت سلطه دو نفر از یک خانواده قرار داشته است. ابتدا «فرانسیسکو نگوئما» در مصدر کار قرار گرفت و پس از او در سال ۱۹۷۹ برادرزاده اش «تئودور ابیانگ نگوئما» با محاکمه و اعدام عمویش به قدرت رسید. هر دوی این زمامداران در زمان سلطه خویش بر گینه استوایی در فهرست بدترین ناقضان حقوق بشر در آفریقا قرار داشته اند. این کشور با جمعیت کمی بیش از نیم میلیون نفر با دارا بودن یکی از بیشترین ذخایر نفت در منطقه موسوم به زیرصحرای آفریقا قرار دارد. نخستین انتخابات چندحزبی گینه استوایی در سال ۱۹۹۶ برگزار شد که طی آن رئیس جمهور با ۹۹درصد آرا مجدداً زمام امور را در دست گرفت. «نگوئما» در دسامبر ۲۰۰۲ مجدداً پیروز انتخابات اعلام شد.

■ چاد

کشور چاد در همسایگی سودان به عنوان یکی از ثروتمندترین کشورهای آفریقا به لحاظ دارا بودن ذخایر طلا و اورانیوم و همچنین منابع غنی نفت شناخته می شود. رئیس جمهور فعلی این کشور ۹ میلیون نفری که دو آئین اسلام و مسیحیت در آن به عنوان آئین های رسمی شناخته می شوند «ادریس دبی» نام دارد که در سال ۱۹۹۶ در نخستین انتخابات ریاست جمهوری چاد پس از استقلال این کشور به پیروزی رسید. وی پیش از آن به مدت ۶ سال در پی سرنگونی «حسین هابره» حاکم پیشین چاد با وضعیتی نه چندان پایدار بر این کشور حکم رانده بود. از آن زمان تاکنون «دبی» به رغم تمامی انتقادات به سیاست های داخلی اش همچنان زمام امور را در دست دارد. هم اکنون وضعیت داخلی چاد یکی از بحرانی ترین دوره های خود را طی سالیان اخیر تجربه می کند.

■ گابن

یکی از پایدارترین و باثبات ترین کشورهای غرب آفریقا گابن نام دارد که با توجه به ذخایر نفتی اش هم اکنون یکی از بالاترین ارقام درآمد سرانه ملی را در منطقه به خود اختصاص داده است. گابن در سال ۱۹۶۰ از فرانسه مستقل شد و از آن زمان تاکنون طی حدود نیم قرن فقط دو رئیس جمهور را بر مصدر کار دیده است.

در این بین، «عمر بنگو» رئیس جمهور فعلی از سال ۱۹۶۷ تاکنون بر گابن حکم رانده است و در آخرین انتخابات برگزار شده در نوامبر ۲۰۰۵ با کسب حدود ۸۰درصد آرا توانست اقتدار حکومت خود را ۷ سال دیگر تمدید کند. حکومت «بنگو» اگرچه در منطقه به عنوان یکی از پایدارترین حکومت ها شناخته می شود اما با این شرایط نیز هیچ گاه از مقبولیت کافی به لحاظ سیاست های داخلی برخوردار نبوده است.

■ زیمبابوه

«رابرت موگابه» رئیس جمهور زیمبابوه طی سالیان اخیر همواره تحت شدیدترین انتقادات از سوی کشورهای بزرگ غربی از جمله ایالات متحده آمریکا و بریتانیا قرار داشته است. او که از سال ۱۹۸۰ به محض قطعی شدن استقلال زیمبابوه بر این کشور حکم رانده است برخلاف وعده های اولیه ظاهراً هرگز نتوانسته است ثبات و پایداری لازم را چه به لحاظ سیاسی و چه به لحاظ اقتصادی و سایر موارد دیگر به زیمبابوه برگرداند. بدین ترتیب، صحنه داخلی این کشور آفریقایی که به عنوان یکی از بنیانگذاران جنبش عدم تعهد از مقبولیت قابل توجهی نزد افکار عمومی جهانیان به ویژه جهان سوم برخوردار است دستخوش تحولات وسیعی بوده که به ویژه پس از انتخاب مجدد در سال ۲۰۰۲ با انتقادات فزاینده ای روبه رو بوده است. مداخلات سیاسی واشینگتن و لندن هم اکنون موجبات نگرانی و موضع گیری های بعضاً عجولانه حاکمان کنونی زیمبابوه را فراهم کرده است و بدین ترتیب آینده چندان روشنی برای حکومت این کشور پیش بینی نمی شود.

■ لیبریا

کشور ۴ میلیونی لیبریا هم اکنون به یکی از خبرسازترین کشورهای غرب آفریقا و حتی جهان تبدیل شده است. دستگیری «چارلز تیلور» پس از ماه ها متواری شدن و حضور در نیجریه یکی از اصلی ترین خبرها طی هفته ها و ماه های اخیر بوده است. این کشور آفریقایی تا اوایل دهه ۱۹۸۰ وضعیت نسبتاً آرام و دور از جنجال های موسوم را تجربه می کرد، اما پس از آنکه «ویلیام تولبرت» توسط «سرگنیت ساموئل دو» از قدرت خلع شد اوضاع به وخامت گرایید. طی سال های بعدی این وضعیت کم وبیش تداوم یافت تا اینکه امضای یک موافقتنامه صلح در سال ۱۹۹۵ که با انتخاب «تیلور» به ریاست جمهوری لیبریا همراه شد تا حدی اوضاع را آرام کرد. پس از حدود ۸ سال به موازات فشار بین المللی برای دستگیری «تیلور» و فرار او به نیجریه برای در امان ماندن از تعقیب قضایی بار دیگر رسانه ها اوضاع کشور لیبریا را در صدر اخبار خویش قرار دادند.

■ بورکینافاسو

کشور بورکینافاسو به عنوان یکی از فقیرترین کشورهای جهان حتی به لحاظ استانداردهای آفریقا طی چند دهه اخیر صحنه بروز کودتاهای نظامی متعدد بوده است. به عنوان مثال «توماس سانکارا» حاکم پیشین بورکینافاسو در سال ۱۹۸۳ طی یک کودتا بر سر کار آمد و البته پس از گذشت فقط ۴ سال در جریان یک کودتای دیگر که توسط «بلیز کمپائوره» حاکم فعلی راه اندازی و اجرا شد از حکومت خلع و اعدام شد. این کشور در همسایگی ساحل عاج در حاشیه شرقی اقیانوس اطلس طی سالیان اخیر نیز صحنه ناآرامی های سیاسی فراوانی بوده است، به طوری که حتی پس از انتخاب «کمپائوره» برای سومین بار در نوامبر ۲۰۰۵ به عنوان رئیس جمهور هنوز اوضاع داخلی بورکینافاسو از ثبات و پایداری کافی برخوردار نیست.

خبرها

فشار بر پرسکات برای استعفا

ایلنا: فشارها بر «جان پرسکات» معاون نخست وزیر انگلیس برای استعفا در پی رابطه نامشروع با منشی خود افزایش یافته است. بی بی سی گزارش داد «راد ریچاردز» از وزیران محافظه کار سابق که ۱۰ سال پیش به علت داشتن رابطه نامشروع استعفا کرد، گفت که پرسکات باید به علت رفتار افتضاح خود در آن زمان، از سمت خود کناره گیری کند. ریچاردز گفت که پرسکات که در آن زمان سخنگوی حزب مخالف را بر عهده داشت، فردی رذل بود. اما یک کمیته پارلمان اعلام کرد که تصمیم گیری در مورد آینده سیاسی پرسکات بر عهده تونی بلر است. بلر با بیان اینکه این موضوع مربوط به روابط شخصی پرسکات بوده از اظهارنظر در این مورد خودداری کرده است. پرسکات در مورد روابطش با «تریسی تمپل» گفت: «من در این مورد احمقانه رفتار کرده ام.» در حالی که هیچ اثری از استعفا در اظهارات پرسکات دیده نمی شود، وی در بیانیه ای اعلام کرد که بخش زیادی از اتهامات وی، اشتباه است و به وضوح برای به دست آوردن سود مالی بیشتر توسط تریسی تمپل است. پرسکات همچنین از رسانه ها خواست تا به وی و همسرش ـ پائولین ـ زمان کافی بدهند و در زندگی خصوصی آنها دخالت نکنند تا بتوانند زندگی عادی خود را از سر بگیرند. تریسی تمپل که به علت بیان این موضوع بیش از ۱۰۰ هزار پوند دریافت کرده گفت که احساس می کند از وی به عنوان یک «سپر بلا» استفاده شده است.

ترکیه از آمریکا موشک هوشمند می خرد

ایسنا: ترکیه در حال تدارک خرید ۵۰ موشک هوشمند هوا به زمین مدال SLAM ـ ER از آمریکا است. به گزارش خبرگزاری آناتولی، وزارت دفاع آمریکا (پنتاگون) از کنگره این کشور خواسته مجوز فروش این موشک ها را که به وسیله هواپیماهای اف ـ ۱۶ مورد استفاده قرار می گیرند صادر کند. پنتاگون طی بیانیه ای اعلام کرد که درخواست ترکیه برای خرید موشک های ساخت کارخانه بوئینگ مورد موافقت قرار گرفته است. مقامات ارزش این تسلیحات اعم از تجهیزات و خدمات را ۱۶۲ میلیون دلار تخمین زدند. براساس قوانین آمریکا درخواست های پنتاگون از کنگره برای صدور مجوز انتقال تسلیحات به کشورهای متحد آمریکا به طور خودکار مورد پذیرش قرار می گیرد، البته به شرطی که پنتاگون خود ظرف ۱۵ روز این تقاضا را رد نکند.

حمایت هواداران حزب کارگر از لولا

ایسنا: گروهی از هواداران حزب کارگران به رهبری «لوئیس ایناسو لولا داسیلوا» رئیس جمهوری برزیل خواستار کاندیدا شدن مجدد وی شدند. رویترز گزارش داد که اعضای حزب کارگران برزیل از لولا داسیلوا خواستند تا مجدداً برای کسب مقام ریاست جمهوری برزیل در ماه اکتبر کاندیدا شود. کارشناسان سیاسی معتقدند به رغم رسوایی مالی سال گذشته در بین سران برزیل هنوز حزب حاکم این کشور در بین مردم برزیل از محبوبیت خاصی برخوردار است و احزاب و اتحادیه های بی شماری از این حزب برای کسب اکثریت اعضا در کنگره حمایت می کنند. بنابراین گزارش، لولا داسیلوا که در بین یکهزار و ۲۰۰ تن از اعضای کنگره سخنرانی می کرد، گفت: «من تا پایان ماه ژوئن در مورد کاندیداتوری در انتخابات ریاست جمهوری تصمیم خواهم گرفت.»

جابه جایی نیروهای آمریکایی در ژاپن

ایسنا: وزیر خارجه ژاپن و رئیس سازمان نیروهای دفاع خودکار این کشور، برای نهایی کردن قرارداد میان توکیو و واشینگتن درباره جابه جایی نیروهای نظامی آمریکایی مستقر در ژاپن، عازم واشینگتن شدند. به گزارش خبرگزاری کیودو، تارو آسو وزیر خارجه و فوکوشیرو نوکاگا رئیس سازمان نیروهای دفاع خودکار این کشور، قرار بود با کاندولیزا رایس وزیر خارجه و دونالد رامسفلد وزیر دفاع آمریکا دیدار و گفت وگو کنند. پس از آخرین دیدار میان مقامات ارشد دو کشور، اکنون افکار عمومی منتظر اعلام برنامه جابه جایی نیروهای نظامی آمریکایی مستقر در اوکیناوای ژاپن به جزیره گوام در اقیانوس آرام است. کاخ سفید و توکیو پیش از این توافق کرده بودند که این جابه جایی در انتهای ماه مارس ۲۰۰۶ انجام شود، اما اختلاف دو کشور درباره میزان مشارکت ژاپن در تامین هزینه های این جابه جایی، سبب شد که زمان این نقل و انتقالات به اکتبر ۲۰۰۶ موکول شود.

دفاع دانیل اورتگا از آلبا

فارس: دانیل اورتگا رئیس جمهور سابق نیکاراگوئه حمایت خود را از ائتلاف آلبا گزینه بولیواری برای آمریکای لاتین اعلام کرد. به گزارش آژانس بولیواری کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری آتی نیکاراگوئه از پیوستن کشورش به آلبا در صورت پیروزی در انتخابات نوامبر خبر داد. اورتگا افزود، باید نگاه ما به جنوب و همگرایی باشد و آلبا درها را به سوی همکاری منطقه آمریکای لاتین و کارائیب می گشاید. او همچنین خاطرنشان کرد، پس از شانزده سال اجرای سیاست های نولیبرال در این کشور شرایط برای بازگشت جبهه ساندنیستا به قدرت به وسیله آرای مردم آماده است. هوگو چاوس رئیس جمهور ونزوئلا نیز اخیراً در مراسم اولین سالگرد شکل گیری آلبا در کوبا خطاب به دانیل اورتگا گفت، منتظر دیدار تو به عنوان رئیس جمهور نیکاراگوئه در مراسم سال آینده هستیم. دانیل اورتگا در سال های ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۰ رئیس جمهور نیکاراگوئه بوده است.